

بی‌فرزندگی طول عمر و همبسته‌های اجتماعی و اقتصادی آن در بین زنان ساکن استان‌های با باروری خیلی پایین در ایران

سراج الدین محمودیانی^{*۱}

۱. دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نشریه پایش

سال نوزدهم، شماره پنجم، مهر - آبان ۱۳۹۹ صص ۵۴۸-۵۴۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۸

[نشر الکترونیک پیش از انتشار - ۲۴ شهریور ۹۹]

چکیده

مقدمه: بی‌فرزندگی در وضعیت باروری پایین می‌تواند به مثابه مسأله‌ای جمعیتی نگریسته شود. در مطالعه حاضر تلاش شد شیوع بی‌فرزندگی طول عمر یا دائمی در بین زنان ساکن استان‌های گیلان، مازندران و تهران به‌عنوان استان‌های با سطوح باروری خیلی پایین بررسی شود.

مواد و روش کار: برای تحقق هدف فوق از داده‌های خام دو درصد سرشماری ۱۳۹۵ استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از جدول فراوانی، آزمون کای اسکوتر و تحلیل رگرسیون لجستیک در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۴/۴ درصد از زنان مورد مطالعه بی‌فرزند طول عمر هستند. تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که سطح تحصیلی به‌عنوان مشخصه‌ای فردی و نیز نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی به‌عنوان مشخصه‌های خانواری و سکونتی اثر آماری معنادار بر احتمال بی‌فرزندگی دارند.

نتیجه‌گیری: شیوع بی‌فرزندگی طول عمر در جمعیت مورد مطالعه در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد. انتظار نمی‌رود که بی‌فرزندگی طول عمر یا دائمی در آینده نگران‌کننده باشد. برنامه‌ریزی در راستای بهبود وضعیت مسکن خانوارها، از نقطه نظر هم‌قیمت و هم‌کیفیت، به خصوص در میان خانوارهای جوان، می‌تواند مانع از افزایش نسبت بی‌فرزندگی در آینده شود.

کلیدواژه: بی‌فرزندگی طول عمر، باروری خیلی پایین، تحصیلات، محل سکونت خانوار

* نویسنده پاسخگو: دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

E-mail: serajmahmoudiani@gmail.com

مقدمه

فرزندآوری پایین و با تأخیر از ویژگی‌های جمعیتی جهان توسعه یافته بود که امروزه در دیگر کشورها نیز مشاهده می‌شود. بحث گذار دوم جمعیت‌شناختی هم تغییرات فوق و هم تعیین‌کننده‌های آن را شامل می‌شود. باروری زیر سطح جایگزینی و افزایش سن در اولین تولد از نتایج تغییرات فوق است. تغییرات اجتماعی در وضعیت اشتغال و تحصیلات زنان به‌عنوان پیش‌ران‌های باروری پایین، بی‌فرزند ارادی و غیرارادی نگریسته شده است [۱]. بی‌فرزند ارادی یک واقعیت مغفول است که با مطالعات اقتصادی فعلی درباب باروری قابل توضیح نیست [۲]. محققان، زنان بی‌فرزند ارادی را به‌عنوان زنانی تعریف کرده‌اند که در سن فرزندآوری قرار دارند اما قصد ندارند فرزند ارادی داشته باشند. زنانی که بی‌فرزند ارادی یا داوطلبانه هستند در تقابل با زنانی قرار می‌گیرند که در حال حاضر فرزند ندارند اما در آینده فرزندآوری را تجربه خواهند کرد و به‌عنوان بی‌فرزند موقت تعریف می‌شوند. کسانی که می‌خواهند یا خواسته‌اند که فرزند ارادی داشته باشند اما به دلیل مشکلات باروری قادر به داشتن فرزند نبوده‌اند را تحت عنوان بی‌فرزند غیرارادی تعریف کرده‌اند [۳]. مطالعات نشان داده است که افزایش مشکلات اقتصادی و نگرانی در مورد تأمین آینده فرزندان از مهمترین دلایل عدم تمایل به فرزندآوری گزارش شده است [۴]. دغدغه‌های اقتصادی به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر عدم فرزندآوری در مطالعات دیگر نیز تأیید شده است [۵]. اشتغال و تحصیلات زنان از تعیین‌کننده‌های مهم باروری در مرکز استان گیلان به‌عنوان استانی با پایین‌ترین سطح باروری در کشور است [۶]. براساس شواهد تجربی، در زمینه‌هایی دیگر تحصیلات از عوامل تأثیرگذار بر فرزندآوری [۷] و بی‌فرزند ارادی [۸، ۹] به‌شمار آمده است. مطالعه‌ای در کانادا به این نتیجه رسیده است که میزان بی‌فرزند ارادی برای زنان با سطوح عالی تحصیلی، زنان ساکن در شهرهای بزرگ و در نهایت زنانی که در بازار کار اشتغال داشته‌اند، بالاتر بوده است [۱۰]. افزایش نسبت زنان با تحصیلات دانشگاهی در ایالات متحده نیز بخش قابل توجهی از افزایش بی‌فرزند ارادی را تبیین نموده است [۱۱]. نتایج یک پیمایش در ۲۰ کشور اروپایی از آن حکایت دارد که سن و تحصیلات با بی‌فرزند ارادی همبستگی دارند [۱۲]. براساس یک مطالعه، زنان دانشگاهی بالاترین نسبت بی‌فرزند ارادی را در استرالیا به خود اختصاص داده بودند [۱۳]. در روسیه نیز بی‌فرزند ارادی در بین زنان با تحصیلات بالا و زنان ۴۰ تا ۴۹ ساله شایع‌تر بوده است [۱۴].

جهت سیاست‌های جمعیتی در سال‌های اخیر و اجرای برنامه‌هایی در جهت تشویق باروری می‌تواند اهمیت بررسی پدیده بی‌فرزند ارادی از جنبه عمومی و حاکمیتی در ایران خاطر نشان سازد [۱۵]. بی‌فرزند ارادی در سال‌های پایان باروری، شاخص اساسی نرخ بی‌فرزند ارادی است. این شاخص که بیانگر درصد زنانی است که تا سال‌های آخر دوره تولیدمثل‌شان، نتوانسته یا نخواسته‌اند که فرزند ارادی به‌دنيا آورند، بی‌فرزند ارادی دائمی یا بی‌فرزند ارادی طول عمر نامیده شده است. حتی اشاره شده است که بی‌فرزند ارادی در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ ساله برآورد دقیق‌تری از نرخ بی‌فرزند ارادی در مقایسه با گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ ساله به دست خواهد داد [۱۶]. روند کاهش باروری در ایران این دغدغه را ایجاد کرده است که سطح فرزندآوری فعلی در کشور حتی به سطوح پایین‌تر نیز برسد. با توجه به آن‌که باروری کمتر از سطح جانشینی است، نگرانی درباب آینده باروری می‌تواند بر دو موضوع دلالت نماید. پدیده تک‌فرزند ارادی و بی‌فرزند ارادی در آینده را شاید بتوان از نگرانی‌های حال حاضر مسئولان ذی‌ربط در حوزه جمعیت دانست. روند کاهش باروری و تجربه باروری خیلی پایین در برخی استان‌های کشور در شکل‌دهی نگرانی‌ها و دغدغه‌های فعلی بی‌تأثیر نبوده است. نتایج مطالعات تجربی و نیز آمارهای سرشماری‌های کشور از آن حکایت دارد که استان‌های گیلان، مازندران و تهران پایین‌ترین سطح فرزندآوری یا میزان باروری کل را در کشور به خود اختصاص داده‌اند. در سال‌های منتهی به ۱۳۹۰ میزان باروری کل برای استان گیلان برابر با ۱/۳ و برای مازندران و تهران نیز برابر با ۱/۴ فرزند به ازای هر زن گزارش شده است [۱۷]. در سال ۱۳۹۵ و برپایه گزارش مرکز آمار ایران [۱۸] میزان باروری کل در سه استان مذکور به‌ترتیب ۱/۳۸، ۱/۵۱ و ۱/۵۶ فرزند گزارش شده است که همچنان پایین‌ترین سطح باروری کشور را به خود اختصاص داده‌اند. از آنجایی که باروری کمتر از ۱/۵ فرزند به ازای هر زن را باروری خیلی پایین معرفی می‌کنند [۱۹] بنابراین استان‌های فوق را می‌توان استان‌های با باروری خیلی پایین یا در مرز باروری خیلی پایین در کشور دانست. هر چند در مطالعات پیشین [۲۰] نیز بر تأثیر برخی از ویژگی‌های خانوار بر رفتار باروری زنان ایرانی توجه و تأکید شده است اما ویژگی‌های سکونت‌ی آن‌ها مد نظر نبوده است. تأکید بر ویژگی‌های محل سکونت خانوار زنان مورد مطالعه به‌عنوان بُعد تازه‌ای در مطالعات بی‌فرزند ارادی در ایران که در مطالعات پیشین کمتر دیده شده است می‌تواند وجه تمایز این مطالعه از دیگر مطالعات پیشین باشد. به‌طور کلی اگرچه مرگ و میر در اغلب

است. شایان ذکر است که هم از سویی داده‌های سرشماری امکان تفکیک بین بی‌فرزندگی طول عمر ارادی و غیرارادی را نمی‌دهد و سویی دیگر در مطالعه حاضر چنین هدفی دنبال نشده است. بی‌فرزندگی فارغ از ارادی و غیرارادی بودن آن‌ها بر سطح باروری تأثیر خواهند گذاشت و از نظر جمعیت‌شناختی تفکیک آن دو ضرورت ندارد. اما بعد از شناسایی سطح و دلایل بی‌فرزندگی در مراحل بعدی و به منظور کاهش تأثیر آن‌ها بر باروری، تفکیک دو نوع بی‌فرزندگی مذکور می‌تواند حایز اهمیت باشد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ بهره برده شد. برای بررسی روابط دو متغیری و چند متغیری به ترتیب از آزمون کای اسکور یا همان مجذور خی و تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

یافته‌ها

تعداد ۲۲۶۷۴ زن دارای همسر ۴۰ تا ۴۹ ساله در استان‌های گیلان، مازندران و تهران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که ۴/۴ درصد از زنان ۴۰ تا ۴۹ ساله مورد بررسی در زمان سرشماری هیچ فرزند نداشتند یعنی می‌توان آن‌ها را بی‌فرزند طول عمر یا بی‌فرزند دائم به شمار آورد. حدود ۵۲ درصد از زنان مورد بررسی ۴۰ تا ۴۴ سال داشته‌اند و حدود ۴۸ درصد نیز ۴۵ تا ۴۹ ساله بوده‌اند. بیش از ۸۳ درصد زنان مورد بررسی شهرنشین و حدود ۱۷ درصد نیز ساکن روستا بوده‌اند. حدود ۴ درصد زنان مورد مطالعه در استان‌های گیلان، مازندران و تهران مهاجر و سایر هم‌تایان آن‌ها بومی استان‌های فوق‌الذکر بوده‌اند. حدود ۸ درصد زنان بی‌سواد، ۲۳ درصد تحصیلات ابتدایی، حدود ۱۹ درصد تحصیلات راهنمایی، حدود ۳۲ درصد تحصیلات متوسطه و در نهایت بیش از ۱۸ درصد از زنان مورد بررسی تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. حدود ۲ درصد نمونه در زمان سرشماری در حال تحصیل یا محصل بوده‌اند. حدود ۱۲ درصد از زنان مورد نظر شاغل و سایر هم‌تایان آن‌ها غیرشاغل بوده‌اند. بخش دیگری از متغیرهای مورد نظر در تحقیق حاضر با مشخصه‌های سکونت خانوار زنان مرتبط است. حدود ۶۲ درصد زنان مورد مطالعه ساکن واحدی مسکونی از نوع آپارتمان و سایر آن‌ها در دیگر انواع واحدهای مسکونی، سکونت داشته‌اند. حدود ۶۴ درصد نمونه به خانوارهایی تعلق داشته‌اند که در واحد مسکونی شخصی خود ساکن بوده و حدود ۳۰ درصد آن‌ها نیز در منازل رهنی/استیجاری ساکن بوده‌اند. حدود ۹۹ درصد زنان در منزلی ساکن بوده‌اند که صرفاً

کشورهای دنیا در نتیجه پیشرفت‌های بهداشتی و پزشکی کاهش پیدا کرد و این اتفاق در ادامه به باروری پایین انجامید و می‌توان کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری را از پیامدهای توسعه به‌شمار آورد اما امروزه در بیشتر کشورهای دنیا از جمله ایران، کاهش نرخ باروری گرایش به بی‌فرزندگی را به یک مسئله جمعیتی بدل کرده است و حتی به‌عنوان تهدیدی برای نگهداشت جمعیت فعلی در آینده نگرسته می‌شود. ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت و ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های مرتبط با جمعیت به همراه تأکید بر افزایش باروری به سطح جانشینی از سال ۱۳۹۳ بیانگر اهمیت بررسی موضوع بی‌فرزندگی و مسأله‌مند بودن آن از نگاه سیاست‌گذاران است. با توجه به آنچه گفته شد در مطالعه پیش‌رو تلاش شده است که بی‌فرزندگی طول عمر و همبسته‌های اجتماعی و اقتصادی آن با تأکید بر مشخصه‌های فردی و سکونتی در بین زنان دارای همسر ۴۰ تا ۴۹ ساله ساکن سه استان گیلان، مازندران و تهران بررسی شود.

مواد و روش کار

مطالعه حاضر تحقیقی کمی مبتنی بر تحلیل داده‌های ثانویه است. برای این منظور داده‌های خام دو درصد سرشماری سال ۱۳۹۵ [۲۱] که در دو فایل جداگانه فردی و خانواری بر درگاه ملی آمار به‌طور آزاد در اختیار محققان قرار می‌گیرد و براساس کد خانواری قابل اتصال به یکدیگر هستند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از اتصال فایل فردی و خانواری، داده‌های مذکور برای استان‌های گیلان، مازندران و تهران گزینش شد. در گام بعدی با گزینش زنان دارای همسر ۱۵ تا ۴۹ ساله داده‌های لازم برای تحلیل آماده شد. لازم به ذکر است که داده‌های گم‌شده از تحلیل کنار گذاشته شد. متغیرهای مستقل فردی شامل سن، محل سکونت، وضعیت مهاجرتی، وضعیت تحصیلی، وضعیت اشتغال و وضعیت فعلی تحصیل است. مشخصه‌های سکونتی خانوار زنان نیز که بخشی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق حاضر هستند متغیرهای نوع محل سکونت خانوار، نحوه تصرف محل سکونت خانوار، تعداد خانوار ساکن در مکان و در نهایت مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوار را در شامل شده است. متغیر وابسته نیز تجربه به‌دنیا آوردن فرزند زنده است یعنی دارای دو حالت، دارای فرزند و بی‌فرزند است. همان‌طوری که در مقدمه آمد برای بررسی بی‌فرزندگی به‌طور کلی دو گروه سنی آخر یعنی ۴۰ تا ۴۴ یا ۴۵ تا ۴۹ سال مورد تأکید است که در مطالعه حاضر هر دو گروه مذکور مورد بررسی قرار گرفته

متغیرهای محل سکونت و وضعیت فعلی تحصیل با وضعیت بی- فرزندی رابطه معنادار ندارند. در بین متغیرهای مرتبط با مشخصه- های سکونتی زنان نیز دو متغیر نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی دارای رابطه معنادار با متغیر وضعیت بی-فرزندی بوده‌اند. کمترین نسبت بی-فرزندی برحسب نحوه تصرف محل سکونت خانوار به زنانی تعلق دارد که ساکن واحدهای مسکونی شخصی بوده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی در تصرف خانوار، نسبت بی-فرزندی زنان آن خانوارها کاهش یافته است.

برای بررسی روابط چند متغیری و پیش بینی بی-فرزندی طول عمر از رگرسیون لجستیک دو وجهی استفاده شده است. سطح تحصیلی، نوع محل سکونت خانوار و نیز مساحت زیربنای واحد مسکونی متغیرهایی هستند که ارتباط معنادار با احتمال بی-فرزندی در میان زنان مورد مطالعه دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که احتمال بی-فرزندی برای زنان با تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، متوسطه/دیپلم کمتر از احتمال آن در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی است. به-علاوه، تحلیل رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که احتمال بی-فرزندی برای زنانی که ساکن واحد مسکونی شخصی هستند کمتر از احتمال بی-فرزندی در میان زنانی است که در انواع دیگر واحدهای مسکونی (غیر از شخصی و رهن/استیجاری) سکونت دارند. با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی در تصرف خانوار نیز احتمال بی-فرزندی زنان کاهش خواهد یافت.

خانوار آن‌ها در آنجا سکونت داشته‌اند و فقط ۱ درصد نمونه ساکن واحدهایی مسکونی با بیش از ۱ خانوار بوده‌اند. مساحت زیربنای واحد مسکونی نیز دیگر متغیر مستقل مرتبط با مشخصه‌های سکونتی خانوار زنان مورد مطالعه است که اطلاعات آن در جدول ۱ گزارش شده است. حدود ۲۰ درصد زنان در واحدهای مسکونی با متراژ کمتر از ۶۴ مترمربع سکونت داشته‌اند و در مقابل حدود ۱۴ درصد آن‌ها ساکن واحدهایی مسکونی با مساحت بیش از ۱۲۰ متر مربع بوده‌اند.

جدول ۲ بیانگر رابطه دو متغیری وضعیت بی-فرزندی زنان و مشخصه‌های فردی و سکونتی آن‌ها است. یافته‌ها نشان داد که نسبت بی-فرزندی دائمی برای زنان ۴۰ تا ۴۴ ساله بالاتر از زنان ۴۵ تا ۴۹ ساله است. آماری معنادار شده است. نسبت بی-فرزندی در بین زنان با تحصیلات دانشگاهی بالاتر از زنان با سایر سطوح تحصیلی است. نسبت بی-فرزندی زنان بی‌سواد نیز به شکلی دور از انتظار برابر با نسبت بی-فرزندی برای زنان با تحصیلات دانشگاهی به‌دست آمده است. رابطه مذکور نیز از نظر آماری معنادار به‌دست آمده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت بی-فرزندی به-طور معناداری در بین زنان مهاجر و زنان شاغل بیشتر از زنان غیرمهاجر و زنان غیرشاغل است. اگرچه در جدول فراوانی، نسبت (درصد) زنان مهاجر و غیرمهاجر ذکر شده است و این امر نگرانی درباب پایین بودن تعداد نمونه برحسب وضعیت مهاجرتی را مرتفع می‌کند اما در تحلیل و نتیجه‌گیری درخصوص بی-فرزندی برحسب متغیر وضعیت مهاجرت باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

جدول ۱: توزیع زنان مورد مطالعه برحسب مشخصه‌های فردی و سکونتی آن‌ها

درصد	فراوانی		
۴/۴	۹۸۹	بی‌فرزند	وضعیت بی‌فرزندی
۹۵/۶	۲۱۶۸۵	دارای فرزند	
۵۱/۹	۱۱۷۶۶	۴۰-۴۴	گروه‌های سنی (سال)
۴۸/۱	۱۰۹۰۸	۴۵-۴۹	
۸۳/۴	۱۸۹۱۳	شهر	محل سکونت
۱۶/۶	۳۷۶۱	روستا	
۴/۲	۹۴۹	مهاجر	وضعیت مهاجرتی
۹۵/۸	۲۱۷۲۵	غیر مهاجر	
۸/۱	۱۸۳۹	بی‌سواد	وضعیت تحصیلی
۲۳/۱	۵۲۲۷	ابتدایی	
۱۸/۶	۴۲۲۰	راهنمایی	
۳۱/۷	۷۱۸۴	متوسطه / دیپلم / پیش دانشگاهی	
۱۸/۵	۴۲۰۴	دانشگاهی	
۱/۹	۴۲۶	محصل	وضعیت فعلی تحصیل
۹۸/۱	۲۲۲۴۸	غیر محصل	
۱۱/۸	۲۶۶۵	شاغل	وضعیت اشتغال

۸۸/۲	۲۰۰۰۹	غیر شاغل	نوع محل سکونت خانوار
۶۲/۲	۱۴۰۹۴	آپارتمان	
۳۷/۸	۸۵۸۰	غیر آپارتمان	
۶۳/۶	۱۴۴۲۵	شخصی	نحوه تصرف محل سکونت خانوار
۳۰/۳	۶۸۷۵	رهن/استیجاری	
۶/۱	۱۳۷۴	سایر	
۹۸/۹	۲۲۴۳۲	یک خانوار	تعداد خانوار ساکن در مکان
۱/۱	۲۴۲	دو خانوار و بیشتر	
۲۰/۲	۴۵۸۲	۶۴ و کمتر	
۳۹/۸	۹۰۳۰	۹۰ تا ۶۵	مساحت زیربنای واحد مسکونی (مترمربع)
۲۵/۷	۵۸۲۶	۱۲۰ تا ۹۱	
۱۴/۳	۳۲۳۶	بالتر از ۱۲۰	

جدول ۲: توزیع وضعیت بی‌فرزندگی طول عمر زنان برحسب مشخصه‌های جمعیت شناختی

تعداد نمونه	بی‌فرزند			
	خیر	بله		
۱۱۷۶۶	۹۵/۲	۴/۸	۴۰ تا ۴۴ سال	سن (%) $\chi^2 = ۹۶۷۱^*$
۱۰۹۰۸	۹۶/۱	۳/۹	۴۵ تا ۴۹ سال	
۱۸۳۹	۹۳/۹	۶/۱	بی‌سواد	وضعیت تحصیلی (%) $\chi^2 = ۵۸۱۸۵۷^*$
۵۲۲۷	۹۶/۱	۳/۹	ابتدایی	
۴۲۲۰	۹۶/۵	۳/۵	راهنمایی	
۷۱۸۴	۹۶/۲	۳/۸	متوسطه/دیپلم/پیش دانشگاهی	
۴۲۰۴	۹۳/۹	۶/۱	دانشگاهی	
۲۱۷۲۵	۹۵/۷	۴/۳	غیر مهاجر	وضعیت مهاجرتی (%) $\chi^2 = ۶۴۲۱^*$
۹۴۹	۹۴/۰	۶/۰	مهاجر	
۲۶۶۵	۹۴/۵	۵/۵	شاغل	وضعیت اشتغال (%) $\chi^2 = ۹۶۴۳^*$
۲۰۰۰۹	۹۵/۸	۴/۲	غیر شاغل	
۱۸۹۱۳	۹۵/۷	۴/۳	شهر	محل سکونت (%) $\chi^2 = ۰/۹۱۷$
۳۷۶۱	۹۵/۳	۴/۷	روستا	
۴۲۶	۹۵/۳	۴/۷	محصل	وضعیت فعلی تحصیل (%) $\chi^2 = ۰/۱۱۵$
۲۲۲۴۸	۹۵/۶	۴/۴	غیر محصل	
۱۴۰۹۴	۹۵/۷	۴/۳	آپارتمان	نوع محل سکونت خانوار (%) $\chi^2 = ۰/۲۷۰$
۸۵۸۰	۹۵/۵	۴/۵	غیر آپارتمان	
۱۴۴۲۵	۹۶/۱	۳/۹	شخصی	نحوه تصرف محل سکونت خانوار (%) $\chi^2 = ۲۳/۷۲۰^*$
۶۸۷۵	۹۴/۹	۵/۱	رهن/استیجاری	
۱۳۷۴	۹۴/۴	۵/۶	سایر	
۲۲۴۳۲	۹۵/۶	۴/۴	یک خانوار	تعداد خانوار ساکن در مکان $\chi^2 = ۰/۵۹۸$
۲۴۲	۹۴/۶	۵/۴	دو خانوار و بیشتر	
۴۵۸۲	۹۳/۹	۶/۱	۶۴ و کمتر	مساحت زیربنای محل سکونت (مترمربع) $\chi^2 = ۵۰/۱۸۶^*$
۹۰۳۰	۹۵/۶	۴/۴	۹۰ تا ۶۵	
۵۸۲۶	۹۶/۳	۳/۷	۱۲۰ تا ۹۱	
۳۲۳۶	۹۶/۹	۳/۱	بالتر از ۱۲۰	

جدول ۳: احتمال بی‌فرزندگی طول عمر در بین زنان با استفاده از رگرسیون لجستیک

نسبت پخت‌ها	معناداری	ضریب بتا		
۰/۹۷۸	۰/۰۵۲	-۰/۰۲۳		سن
۰/۸۱۱	۰/۱۱۹	-۰/۲۰۹	بی‌سواد	
۰/۵۲۸	۰/۰۰۰	-۰/۶۳۸	ابتدایی	وضعیت تحصیلی
۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	-۰/۷۱۶	راهنمایی	
۰/۵۶۰	۰/۰۰۰	-۰/۵۸۰	متوسطه/دیپلم/پیش دانشگاهی	
-	-	-	دانشگاهی (مرجع)	
۱/۲۸۱	۰/۰۸۲	۰/۲۴۸	مهاجر	وضعیت مهاجرتی
-	-	-	غیر مهاجر (مرجع)	

۰/۹۲۶	۰/۴۴۸	-۰/۰۷۶	غیرشاغل	وضعیت اشتغال
-	-	-	شاغل (مرجع)	
۱/۱۷۸	۰/۰۹۹	۰/۱۶۴	روستا	محل سکونت
-	-	-	شهر (مرجع)	
۱/۲۱۳	۰/۴۱۵	۰/۱۹۳	غیر محصل	وضعیت فعلی تحصیل
-	-	-	محصل (مرجع)	
۱/۱۲۴	۰/۱۴۳	۰/۱۱۷	غیرآپارتمانی	نوع محل سکونت خانوار
-	-	-	آپارتمان (مرجع)	
۰/۷۰۵	۰/۰۰۶	-۰/۳۴۹	شخصی	
۰/۹۳۲	۰/۵۸۸	-۰/۰۷۱	رهن / استیجاری	نحوه تصرف محل سکونت خانوار
-	-	-	سایر	
۱/۰۸۰	۰/۶۵۳	۰/۰۷۷	تعداد خانوار ساکن در مکان	
۰/۹۹۵	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۵	مساحت زیربنای واحد مسکونی	

بحث و نتیجه گیری

کاهش باروری از مهمترین موضوعات جمعیتی حال حاضر کشور است. رسیدن باروری به زیر سطح جانشینی به نوعی دال بر گرایش به فرزندآوری پایین و کم فرزندخواهی در جامعه است. در چنین شرایطی مطالعه بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی می‌تواند اهمیت مضاعفی به خود گیرد. بی‌فرزندگی که به دو شکل ارادی یا دواطلبانه و غیرارادای یا غیردواطلبانه قابل طرح است در وضعیت باروری خیلی پایین می‌تواند کانون بحث و تحقیق قرار گیرد. بی‌فرزندگی طول عمر یا دائمی به شکلی از بی‌فرزندگی گفته می‌شود که داشتن فرزند برای زن دیگر احتمالی بعید و نزدیک به صفر در نظر گرفته می‌شود. برای مطالعه بی‌فرزندگی طول عمر معمولاً بر زنان گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ یا گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ تأکید می‌شود یعنی زنانی که در پایان دوره حیات باروری خود قرار دارند. در مطالعه حاضر تلاش شد که بی‌فرزندگی طول عمر از طریق در نظر گرفتن هر دو احتمال و هر دو گروه سنی در معرض بی‌فرزندگی بررسی شود. نمونه آماری شامل زنان دارای همسر ۴۰ تا ۴۹ بود که در استان‌های گیلان، مازندران یا تهران ساکن بودند. سه استان مذکور در تمام ادوار گذشته پایین‌ترین سطح باروری را به خود اختصاص داده و تقریباً در تمام مقاطع اخیر نیز هر سه استان مذکور باروری کمتر از ۱/۵ فرزند به ازای هر زن یعنی باروری خیلی پایین را تجربه نموده‌اند. برای این منظور با استفاده از داده‌های خام دو درصد سرشماری ۱۳۹۵ و اتصال فایل‌های فردی و خانواری تلاش شد که به تحلیل و تبیینی از احتمال بی‌فرزندگی طول عمر در نمونه مورد نظر پرداخته شود. یافته‌ها نشان داد که حدود ۴ درصد از زنان مورد مطالعه بی‌فرزندگی طول عمر بودند یعنی تا پایان دوره تولیدمثل صاحب فرزند نشده و نخواهند شد. روابط دو متغیری بیانگر وجود رابطه معنادار عمده متغیرهای

مستقل و وضعیت بی‌فرزندگی در میان زنان بود. در تحلیل چند متغیری که با استفاده از تحلیل رگرسیون لجستیک انجام شد نتیجه گرفته شد که تحصیلات به‌عنوان مشخصه‌ای فردی و همچنین متغیرهای نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوار به‌عنوان مشخصه‌هایی مرتبط با وضعیت سکونتی-خانواری زنان، دارای رابطه آماری معنادار با احتمال بی‌فرزندگی زنان بودند. تأثیر معنادار سطح تحصیلی بر احتمال بی‌فرزندگی در مطالعات پیشین [۱۴-۶] نشان داده شده است. بالاتر بودن نسبت بی‌فرزندگی در گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله‌ها نیز در مطالعات دیگری [۱۴] به دست آمده است. برخلاف مطالعات پیشین [۱۰، ۶] در مطالعه حاضر اشتغال با احتمال بی‌فرزندگی رابطه معنادار نداشت. سکونت در شهر نیز بر خلاف نتایج دیگر مطالعات [۱۰] فاقد رابطه معنادار با احتمال فرزندآوری بود. در مجموع یافته‌ها بیانگر نسبت پایین بی‌فرزندگی طول عمر در بین زنان مورد مطالعه بود. گسترش تحصیلات عالی و تداوم روند افزایشی آن در بین زنان شاید نسبت بی‌فرزندگی طول عمر را در آینده به مقدار کمی افزایش دهد اما انتظار نمی‌رود که افزایش نسبت بی‌فرزندگی طول عمر شتاب نگران‌کننده‌ای به خود بگیرد زیرا تغییرات اجتماعی پس از شتاب اولیه در سال‌های اخیر روند بسیار آرامی را طی نموده است. از آنجایی که بخشی از نسبت بی‌فرزندگی فعلی احتمالاً از نوع غیرارادی یا غیردواطلبانه است بنابراین شناسایی زنان بی‌فرزند غیرارادی و تلاش در جهت درمان ناباروری آن‌ها بی‌تردید می‌تواند نسبت فعلی بی‌فرزندگی را نیز کاهش دهد. تأثیر معنادار ویژگی‌های سکونتی خانوار بر وضعیت بی‌فرزندگی می‌تواند برنامه‌ریزی‌ها را به سمت خود جلب نماید. برنامه‌ریزی در راستای بهبود وضعیت مسکن خانوارها، تدوین و اجرای برنامه‌هایی

کاهش رقم فعلی بی‌فرزندگی در آینده شود.

سهم نویسندگان

سراج الدین محمودیانی: نویسنده مقاله

به منظور ساخت و ارائه واحدهای مسکونی مناسب، هم از نظر قیمت و هم از لحاظ کیفیت، به خصوص در میان زوجین و خانوارهای جوان می‌تواند مانع از افزایش نسبت بی‌فرزندگی و حتی

منابع

1. Kneale D, Joshi H. Postponement and childlessness: evidence from two British cohorts. *Demographic Research* 2008; 19: 1935-1968
2. Baudin T, Croix D, Gobbi PE. Fertility and childlessness in United States. *American Economic Review* 2015; 105:1852-1882
3. Kelly M. Women's voluntary childlessness: a radical rejection of motherhood. *Women's Studies Quarterly* 2009; 37:157-172
4. Haerimehrizi, A, Tavousi M, Sadighi J, Motlagh MS, Eslami M, Nghizadeh F, Montazri A. Reasons for fertility desire disinterest among Iranian married adults: A population-based study. *Payesh* 2017; 5: 637-645 [Persian]
5. Razavizadeh N, Ghafarian A, Akhlaqi A. The contexts of low and late fertility in Mashhad. *Strategy for Culture* 2015; 31: 73-98 [Persian]
6. Kanani MA, Bakhshi S. Spread of individualization and the problem of childbearing reduction: a study in the city of Rasht. *Journal of Population Association of Iran* 2015; 9: 1-25 [Persian]
7. Abbasi-Shavzi MJ, Khani S. Economic Insecurity and Fertility: Case Study of Married Women in Sanandaj District. *Journal of Population Association of Iran* 2014; 9: 37-76 [Persian]
8. Lundquist JH, Budig MJ, Curtis A, Teachman J. Race and childlessness in America 1988-2002. *Journal of Marriage and Family* 2009; 71: 741-755
9. Boddington B, Didham R. Increase in childlessness in New Zealand. *Population Research* 2009; 26: 131-151
10. Grindstaff CF, Balakrishnan TR, Ebanks GE. Socio-demographic of correlates of childlessness: an analysis of the 1971 Canadian census. *The Canadian Journal of Sociology* 1981; 6: 337-351
11. Hayford SR. Marriage (still) matters: the contribution of demographic change to trends in childlessness in the United States. *Demography* 2013; 50: 1641-1661
12. Merz EM, Liefbroer AC. The attitude towards voluntary childlessness in Europe: cultural and institutional explanations. *Marriage and Family* 2012; 74: 587-600
13. Miranti R, McNamara J, Tanton R, Yap M. A narrowing gap? Trends in the childlessness of professional women in Australia 1986-2006. *Population Research* 2009; 26: 359-379
14. Biryukova SS, Tyndik AO. Prevalence and determinants of childlessness in Russia and Moscow. *Genus* 2015; 71: 1-22
15. Hamidifar M, Kanani MA, Abdollahi-Chanzanaq H. Voluntary childless' sight on childbearing: A study in Rasht. *Cultural Sociology* 2017; 8: 27-54 [Persian]
16. Abbasi-Shavazi MJ. Population trends and situation in the Islamic Republic of Iran. 2st Edition, National Population Studies & Comprehensive Management Institute: Tehran, 2017 [Persian]
17. Abbasi-Shavazi MJ, Hosseini-Chavoshi M. Fertility evolution in Iran during recent four decades. 1st Edition, The Statistical Centre of Iran: Tehran, 2012 [Persian]
18. The Statistical Centre of Iran. Total fertility rate during 2012-2016. The Statistical Centre of Iran: Tehran, 2016. https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1396/1_barvari.pdf
19. McDonald P. Very low fertility: consequences, causes and policy approaches. *The Japanese Journal of Population* 2008; 6: 19-23
20. Goli Y, Mahmoudiani S, Delangizan S. The Impact of Household Socio-Economic Characteristics on Women's Fertility in Iran. *Journal of Population Association of Iran* 2016; 10: 188-211 [Persian]
21. The Statistical Centre of Iran. The census micro-data of population and housing in 2016. The Statistical Centre of Iran: Tehran, 2016. <https://www.amar.org.ir/>

ABSTRACT

Lifetime Childlessness and Its Socioeconomic Correlates among the Married Women Living in Provinces with Very Low Fertility Rates in Iran

Serajeddin Mahmoudiani^{1*}

1. Faculty of Economics, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran

Payesh 2020; 19 (5): 541 – 548

Accepted for publication: 28 July 2020

[EPub a head of print-14 September 2020]

Objective (s): Childlessness in low fertility rate situation can be considered as a demographic problem. This study was attempted to investigate the permanent or lifetime childlessness among married women aged 40-49 living in Gilan, Mazandaran and Tehran provinces as provinces with very low fertility rates.

Methods: The data were derived from the 2016 census micro-data. Data analysis was performed in SPSS 20 using frequency tables, Chi-square test and logistic regression analysis.

Results: The results showed that 4.4% of the women were permanent childless. Logistic regression analysis indicated that educational level as an individual characteristic as well as the type of home ownership and living area as the residential and household characteristics had a statistically significant effect on the odds of being childless.

Conclusion: The prevalence of lifetime childlessness was relatively low in population studied. Planning to improve the housing situation of households, especially among young households, might prevent the increase of the proportion of childlessness in the future.

Key words: Lifetime Childlessness, Very Low Fertility, Educational Level, The Place of Household Residence

* Corresponding author: Faculty of Economics, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran
E-mail: serajmahmoudiani@gmail.com